

بررسی دلالت‌های تربیتی جهاد تبیین در مثنوی معنوی مولانا

حسن حاجی زاده اناری^۱

زینب آموزگار^۲

اسدالله اسدی گرمارودی^۳

چکیده

جهاد تبیین به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در فرآیند آگاهی‌بخشی، ارتباطی عمیق با مفاهیم دینی برقرار می‌سازد. این مفهوم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای شامل مؤلفه‌های مهمی چون ایمان و اخلاص، امیدواری، دشمن‌ستیزی، مخاطب‌شناسی، حیات طیب و جایگاه علم است. این مؤلفه‌ها به‌عنوان اصول بنیادین اسلامی در تبیین اندیشه‌های دینی نقش اساسی ایفا می‌کنند. مولانا جلال‌الدین بلخی در مثنوی معنوی، مفاهیم عمیق و معنوی را با زبانی زیبا و داستانی به تصویر می‌کشد. او علاوه بر زیبایی‌های ادبی، در تبیین مفاهیم ناب اسلامی، که در جهاد تبیین نیز قابل مشاهده است، نقش فراوانی دارد. مولوی با تأکید بر مباحث اعتقادی و اخلاقی، به تحلیل معارف اسلامی پرداخته و تأثیر عمیقی بر بستر فکری و فرهنگی جامعه گذاشته است. این پژوهش، با هدف بررسی مبانی، مؤلفه‌ها و دلالت‌های جهاد تبیین در مثنوی معنوی، از روش پژوهشی تحلیلی استنتاجی و مبتنی بر اسناد و متون معتبر استفاده می‌کند. سؤالات اصلی این پژوهش عبارت است از: الف) جهاد تبیین از منظر امام خامنه‌ای چگونه است؟ و ب) دلالت‌های تربیتی جهاد تبیین در مثنوی معنوی مولانا چیست؟ یافته‌های این تحقیق، حاکی از آن است که جهاد تبیین و مفاهیم معنوی در مثنوی مولوی هر دو بر ضرورت آگاهی و شناخت حقیقت تأکید دارند و به نوبه خود، فرصت‌های لازم را برای ارتقای جامعه انسانی و بیان ارزش‌های عمیق اسلامی فراهم می‌آورند. به‌طور کلی، این دو حوزه به‌عنوان دو مسیر مکمل در تلاش برای ایجاد جامعه‌ای بر پایه حقیقت و معنویت، موظف به ایفای نقش هستند.

کلیدواژه‌ها: جهاد تبیین، امام خامنه‌ای، مولانا، تعلیم و تربیت، دلالت‌های تربیتی

^۱. استادیار گروه معارف و تعلیم و تربیت اسلامی پردیس شهید چمران، پردیس‌های تهران، دانشگاه فرهنگیان
hajizadeanari@gmail.com

^۲. استادیار، ادبیات و زبان فارسی، دانشگاه ارومیه
aram.amozegar@gmail.com

^۳. دانشجوی دکتری
a142ag@yahoo.com

مقدمه

«جهاد تبیین» به معنی روشنگری از روی کار علمی و تحقیقی، با رویکرد دشمن‌شناسی و به‌منظور مقابله با دشمن، نخستین بار، از سوی آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شد و معظم‌له به تبیین و بررسی آن پرداختند. رهبر معظم انقلاب در منویاتشان جهاد روایت، حرکت تبیین، ترویج و نیز روشنگری را همسو با جهاد تبیین دانسته‌اند و این اصطلاح از وصیت‌نامه امام علی (علیه السلام) به حسنین (علیهما السلام) اخذ نموده‌اند (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷: ۴۲۲). رهبر معظم انقلاب، در سخنان گهربارشان بارها اشاره کرده‌اند که محقق شدن جهاد تبیین، آثاری مانند جلوگیری از تحریف، حفظ پشتوانه اجتماعی و از بین رفتن مشکلات دارد.

از سوی دیگر، وجود آثار تربیتی متنوع در ادبیات غنی فارسی (به‌ویژه در اشعار عرفانی و منابع اصیل فلسفی) و نیز شناخت دقیق این آثار توسط معظم‌له، موجب شد که این فرضیه مطرح شود که در ادبیات کلاسیک فارسی نیز می‌توان نمونه‌هایی از جهاد تبیین را مشاهده کرد. بدین منظور، «مثنوی معنوی» به دلیل جایگاه والای فرهنگی و تربیتی که در ادبیات فارسی دارد، در این پژوهش انتخاب شد؛ زیرا مثنوی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متون ادبی، نقشی کلیدی در تبیین معارف دینی و انسانی ایفا می‌کند. بنابراین ضرورت دارد که از دلالت‌های تربیتی جهاد تبیین را در این اثر ارزشمند مورد بررسی قرار داد. مطالعه این مساله تاکنون انجام نشده است و در مطالعات انجام شده، صرفاً به کلیاتی از تأویل‌های مربوط به مباحث مرتبط با جهاد تبیین پرداخته شده است.

جلال‌الدین محمد بلخی، معروف به مولوی، از عرفای قرن هفتم هجری، در اشعارش به‌ویژه در مثنوی معنوی، به مقوله جهاد تبیین پرداخته است. آن‌جا که می‌گوید: «این جهاد اکبر است، آن اصغر است / هر دو کار رستم است و حیدر است»^۱.

مولوی در اثر خود، به نحو قابل توجهی از تکنیک داستان‌سرایی برای تبیین مفاهیم پیچیده و اساسی بهره برده است. لذا با توجه به این که دلالت‌های بنیادین تربیتی جهاد تبیین، وابسته به فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی است، ارتباط بین این نظریه جهان‌شمول و آثار کهن ادبی مثل مثنوی معنوی چگونه است؟

پیشینه تحقیق

لزوم توجه به موضوع جهاد تبیین در بیانات امام خامنه‌ای، پر واضح است. از این‌رو، توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف (به‌ویژه در علوم انسانی) برای انجام مطالعات مستقل و روشن شدن تمام زوایای آن بسیار ضروری و با اهمیت است. به دلیل عدم انجام پژوهش مرتبط با موضوع مطالعه حاضر، بررسی‌های مقایسه‌ای و تطبیقی صورت گرفته پیرامون این موضوع یافت نشد. لذا به چند نمونه از تحلیل‌ها و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه به‌صورت اجمالی اشاره می‌شود.

- غفاری و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «مدل نظام‌مند جهاد تبیین در اندیشه دفاعی مقام معظم فرماندهی کل قوا (حفظ الله تعالی)»، بر این باور هستند که جهاد تبیین به‌عنوان یکی از وجوه جهاد کبیر، ناظر به تقابل عملیاتی با جنگ هوشمند دشمن به‌خصوص بعد تبلیغی - رسانه‌ای آن مورد توجه است (غفاری و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۷-۱).

- تقی‌زاده اکبری (۱۳۸۷) در کتاب «جهاد در آئینه قرآن»، به مجموعه‌ای از آیات قرآن با موضوع «جهاد» یا مرتبط با آن را همراه با ترجمه فارسی را گردآوری کرده و سپس به شأن نزول آیات و نیز نکته‌ها، پیام‌ها و منابع هر یک اشاره کرده است (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۷: ۲۵۷).

- رستمی‌نسب و ابراهیمی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین جایگاه جهاد به عنوان یکی از مبانی دفاع مقدس در قرآن کریم»، اشاره کرده‌اند که امیال نفسانی از درون و اغوای شیطانی، همواره در کمین گمراهی انسان است تا او را از بندگی خدای یکتا رها سازند و به دنیاگرایی و شیطان‌پرستی وادار کنند. این پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند که برای گرفتار نشدن در این وضعیت، بصیرت دین توحیدی ضروری می‌نماید (رستمی‌نسب و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

- در پژوهشی تحت عنوان «بررسی و تحلیل سیر مراتب انسان‌های کمال‌یافته در آثار مولانا» که توسط کاظمی و همکاران (۱۴۰۰) انجام شده است، پژوهشگران در بررسی خود در خصوص جهاد تبیین، بر این باور هستند که شناخت طبقات و مراتب انسان‌ها، یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه انسان‌شناسی است. به نظر آنان، وصول به عالی‌ترین مراتب کمال برای انسان، یا از

طریق کد و جهد و یا از طریق کشش و جذبه‌های الهی و یا هر دوی آن‌ها محقق می‌شود (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۲).

- قبادی و کلاهیچیان (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل امید و یأس در اندیشه و داستان پردازی مولوی» به این نتیجه رسیده‌اند که از گرانیگاه مولانا، جهاد (امیدوار بودن) برای انسان امری اساسی و مبنایی است.

- رضازاده (۱۴۰۳) در پژوهش خود به فلسفه جهاد تبیین در مدارس پرداخته و عرصه‌ها و مصادیق اجرایی آن را مورد بررسی قرار داده است و آموزش مسائل فرهنگی و ادبی عصر مدرن در مدارس را با شیوه‌ای کارآمد مدنظر قرار داده است.

با مرور مطالعات پیشین، مشاهده می‌شود که تاکنون به‌طور مستقل به بحث در مورد موضوع پژوهش حاضر پرداخته نشده و لذا در این پژوهش، دلالت‌های تربیتی جهاد تبیین در مثنوی معنوی مولانا بررسی شده است.

روش تحقیق و سؤالات پژوهش

این پژوهش، به بررسی مشترکات و مؤلفه‌های جهاد تبیین (آیت‌الله خامنه‌ای) و مفاهیم معنوی در مثنوی معنوی می‌پردازد. در مطالعه حاضر، از روش پژوهشی تحلیلی استنتاجی و مبتنی بر اسناد و متون معتبر استفاده شده است. هدف اصلی آن نیز شناخت دقیق‌تر ارتباط میان جهاد تبیین و معارف مولانا و ایجاد بسترهای فکری مناسب برای درک عمیق‌تر از ارزش‌های انسانی و اسلامی است. این مطالعه، در پی یافتن پاسخ مناسب به سه سؤال اصلی و فرعی به شرح ذیل است:

سؤالات پژوهش

الف) جهاد تبیین از منظر امام خامنه‌ای چگونه است؟

ب) دلالت‌های تربیتی جهاد تبیین در مثنوی معنوی مولانا چیست؟

ج) آیا می‌توان وجوه اشتراکی بین آرای مولانا و نظریه جهاد تبیین پیدا کرد؟

جهاد تبیین از منظر امام خامنه‌ای

«جهاد» در لغت یعنی کوشش کردن، کوشیدن به اندازه طاقت (عمید، ۱۳۹۳: ذیل واژه جهاد).

«جهاد» در قرآن، به معنای تلاش و کوشش در راه حق، دارای انواع مختلفی است؛ از جمله

جهاد تن به تن، جهاد نفس، جهاد اقتصادی و جهاد سیاسی «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ». در این میان، جهاد تبیین به عنوان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عرصه‌های جهاد تلقی می‌شود. واژه «تبیین» از ماده «بَيَّنَّ» مشتق شده و به معنای ظهور و آشکار شدن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه تبیین).

البته طبق تعاریف موجود، در این مفهوم، فاصله میان مفاهیم و واقعیات مشخص می‌شود و هدف آن، تلاش برای روشن‌سازی و شناخت صحیح واقعیت‌ها و زدودن غبار بدفهمی‌ها و کج‌فهمی‌ها است. به عبارتی دیگر، تبیین به معنای نمایاندن حقیقت و زدودن تحریف‌ها از اذهان عمومی است، به گونه‌ای که انسان به خودآگاهی لازم دست یابد و درکی صحیح از مسائل داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۶۱).

رهبر معظم انقلاب، آیت الله خامنه‌ای، جهاد تبیین را مورد تأکید قرار داده و از زوایای مختلف آن را تحلیل و به تبیین معارف اسلامی و الهی اهتمام ورزیده‌اند. از منظر امام خامنه‌ای، جهاد تبیین ابعاد مختلف زندگی و جامعه را در بر می‌گیرد و تأثیر به سزایی در ارتقای آگاهی عمومی دارد: «وظیفه خواص این است: در مواقع لازم، باید تردیدافکنی و شک‌آفرینی دشمن را خنثی کنند و [مسائل را] تبیین کنند؛ جهاد تبیین که بنده عرض کرده‌ام، ناظر به این است. و ما دیدیم در خود نیروی هوایی کسانی بودند، عناصری بودند - بعضی از همین شهدایی که عکس‌هایشان اینجا است و ما این‌ها را از نزدیک می‌شناختیم - که اهل حرف زدن، اهل منطق، اهل استدلال، اهل اثرگذاری روی دیگران بودند و کار خودشان را در مواقع لازم انجام دادند. در قرآن یک نمونه‌ای وجود دارد که به نظر بنده خیلی مهم است؛ آن قضیه رجل مؤمنی است که در سوره یاسین از او نام برده شده: «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ». وقتی که سه پیغمبر از طرف پروردگار در این قوم مبعوث شدند و مردم ایمان نیاوردند و علیه این‌ها توطئه کردند و تصمیم گرفتند که این‌ها را نابود کنند، یک مرد شجاع و مؤمنی خودش راه به جمعیت مردم رساند و گفت: «يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ» از این‌ها پیروی کنید: «اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ». بعد می‌رسد به اینجا؛ نکته مورد توجه من اینجا است: «وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»، «أَاتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً ...

اِنِّیْ اٰمَنْتُ بِرَبِّکُمْ فَاسْمَعُوْنَ». با صدای بلند، با صراحت، ایمان خودش را بیان می‌کند. خواص باید صریح باشند، باید با صراحت حرف بزنند، باید شبهه‌ها را از ذهن‌ها زایل کنند، دوپهلو و دوگونه و تردیدآمیز حرف نزنند: «اِنِّیْ اٰمَنْتُ بِرَبِّکُمْ فَاسْمَعُوْنَ»؛ بشنوید! من ایمان آوردم. این نمونه کاری است که خواص می‌توانند انجام بدهند.^۱

در جهاد تبیین، موضوع‌شناسی و مخاطب‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در زمینه موضوع‌شناسی، کسب بصیرت کافی و صریح در تشریح و تبیین مسائل اساسی است. همچنین، مخاطب‌شناسی به معنای شناخت جامعه، مشکلات آن و شرایط موجود، از ارکان اساسی جهاد تبیین به شمار می‌رود. آیت‌الله خامنه‌ای، تبیین و روشنگری را همراه با رعایت اخلاق و ادب اسلامی لازم دانسته و دوری‌جستن از بدزبانی و بدگویی را ضروری می‌داند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۹۹). رهبر معظم انقلاب با استناد به بخشی از خطبه ۲۰۶ نهج البلاغه، تبیین‌کنندگان را به دوری کردن از غیبت و تهمت توصیه نموده و معتقد هستند که روشنگری‌ها باید به دور از «قول به غیر علم»، (مانند دروغ) باشد. آیه اعتقاد ایشان، رعایت اخلاق و ادب اسلامی در نوشته‌ها نیز امری لازم است و مطبوعات و رسانه‌ها باید از اختلافات جزئی و غیراصولی پرهیز نموده و به شایعه‌سازی‌ها، نپردازند (غفاری، ۱۳۹۸: ۴۱۲).

دلالت‌های تربیتی جهاد تبیین در مثنوی معنوی مولانا

بحث جهاد در همه ادیان و تفکرات بشری وجود دارد و جهاد تبیین از مهم‌ترین عرصه‌های آن است. تبیین حقایق، از امور بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا اگر کسی بتواند حقایق را در ذهن مردم تحریف کند، در واقع عمل و اراده مردم را به سمت گمراهی می‌کشد. بدون تبیین حقیقت، افکار عمومی در ظلمت و فضای غبارآلود باقی خواهد ماند و دشمن سوءاستفاده خواهد کرد.^۳

مولوی به‌عنوان یکی از مردان بزرگ، عارف و شاعر در کتاب ارزشمند مثنوی معنوی مفاهیم ناب اسلامی را که در ارتباط با جهاد تبیین هستند، بیان نموده است. در ادامه، مؤلفه‌های مشترک در مثنوی شریف و جهاد تبیین را بررسی خواهیم کرد.

^۱ farsi.khamenei.ir

^۲ https://farsi.khamenei.ir/speech

^۳ https://farsi.khamenei.ir

حیات طیبه

مثنوی معنوی، اثر بزرگ و به یادماندنی از مولوی، یکی از کتب مهم اخلاقی است که با بیان خاص خود سعی در نشان دادن راه دارد. اصطلاح «حیات طیبه» خاستگاه قرآنی دارد و مأخوذ از آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُتِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...» می‌باشد. واژه «حیات» در مقابل موت، به معنای زندگی و زنده بودن است و آن را نیروی رشد و حرکت و احساس نیز گفته‌اند (راغب، ۱۴۰۴: ۲۶۹). «طیبه» یا «طیب» به معنای پاک و پاکیزه و آن چیزی است که انسان به‌طور طبیعی به آن تمایل دارد. در مقابل خبیث و ناپاک که انسان از آن متنفر است، می‌باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۵۶۳). بر این اساس، حیات طیبه در لغت به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هر آلودگی است. علامه طباطبایی در اشاره به این معنا می‌گویند: «علت این که چرا قرآن آن زندگی را با وصف طیب توصیف فرموده، چون حیاتی خالص است که خباثتی در آن نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۹۴).

زندگی طیبه، در حقیقت پیدایش حیاتی جدید و فوق حیات معمولی و ظاهری است؛ حیاتی برخوردار از نورانیت. حیات طیبه، به مثابه آرمان نهایی انقلاب اسلامی، در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای نقش‌آفرینی می‌کند (نادری، ۱۴۰۱: ۲). مصادیق حیات طیبه در اندیشه رهبر انقلاب هم مادی و هم معنوی است. «راهبردهای چهارگانه معنوی (حاکمیت نظام اسلامی)، مادی (افزایش توان قدرت ملی)، علمی (پیشگامی در دانش جهانی) و تمدنی (پیشگامی در مدنیت جهانی) برای تحقق حیات طیبه لازم است» (همان، ۵۹).

مولوی نیز در اشعارش به حیات طیبه و راستین نظر داشته است. در یکی از داستان‌های دفتر دوم مثنوی چنین آمده است که پیرمردی برای درمان دردهایش نزد طبیب می‌رود و طبیب همه دردهای او را به پیری نسبت می‌دهد و به وی می‌گوید در دوران پیری از توان جسمی و فکری انسان کاسته می‌شود. البته مولانا با زبان طنز این معنا را بسط می‌دهد و در انتهای داستان با زیرکی خاص خود، حساب پیران روشن ضمیر را از دیگر پیران جدا می‌کند و می‌گوید: این افراد در ظاهر سالخورده هستند و در باطن تازگی و طراوت کودکان را دارند، اینان از باده حق سرمست شده‌اند. در روح و روان او، زندگی پاکیزه‌ای جاری است و این خاصیت نور ایمان است که دل را به حیات طیبه زنده نگه می‌دارد. مصراع دوم بیت ۳۱۰۰

اشاره‌ای است به آیه «هر که نیکی کند چه مرد و چه زن و ایمان داشته باشد، او را به زندگی پاک زنده بداریم و پاداشی بیش از عمل او بدو دهیم».

گفت پیری مر طبعی را که من	در زحیرم از دماغ خویشتن
گفت از پیری است آن ضعف دماغ	گفت بر چشمم ز ظلمت هست داغ
گفت از پیری است ای شیخ قدیم	گفت پشتم درد می‌آید عظیم
گفت از پیری است ای شیخ نزار	گفت هر چه می‌خورم نبود گوار
گفت ضعف معده هم از پیری است	گفت وقت دم مرا دم گیری است...

(مولوی، دفتر دوم، ۳۰۱۵ - ۳۰۸۸).

اخلاقیات

در عصر حاضر، قدرت نرم در پی تغییر و تحولات از طریق جذابیت است و این قدرت می‌تواند شامل ارزش‌های سیاسی و فرهنگ باشد. «جهاد تبیین» یکی از مقوله‌های مهم در قدرت نرم خواهد بود. رهبر انقلاب به‌عنوان کسی که جهاد تبیین را به پیروی از سنت ائمه اطهار (علیهم السلام) بیان فرموده‌اند، همواره تأکید دارند که در بیان واقعیات از اخلاقیات به دور نباشیم. «اهمیت این موضوع به قدری است که به رعایت اخلاق و حفظ کرامت انسانی، حتی در قبال دشمنان، در سیره ائمه (علیهم السلام) تأکید شده است» (علیخانی، ۱۳۸۰: ۳). اخلاق بسیار گسترده است و همگی خصایل و صفات نیک انسانی اعم از راستگویی، صداقت، عدم دروغگویی و تهمت، وفاداری، رعایت ادب و احترام و در یک کلام کرامت انسانی را در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد جهاد تبیین و رعایت اخلاق و اخلاق‌مداری باید دو روی سکه باشند که یکی بدون دیگری فاقد ارزش خواهد بود.

نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، این است که در عرصه مجاهدت و جهاد تبیین، فرد مجاهد هم باید خود الگوی اخلاقیات را در نظر داشته باشد. «اساساً سلاح مورد نیاز برای مجاهدت در این عرصه، فضایل اخلاقی است؛ چرا که در این نوع جهاد، عرصه رویارویی با مخاطب در محافل و در مجالس خصوصی و در میدان‌های عمومی و البته به‌صورت ارتباط چهره به چهره و تنگاتنگ است. اگر مجاهد خود را به سلاح اخلاق مجهز نکرده باشد، مردم از دور او پراکنده می‌شوند و نمی‌تواند به اهداف خود برسد» (نجم‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۱۳).

کتاب مثنوی معنوی، مشحون از حکایاتی است که بر اخلاقیات تأکید دارد. حکایت بسیار زیبایی «خوردن پیل بچه از حرص و ترک نصیحت ناصح» که در دفتر سوم و در بخش ششم بیان شده، به چند مؤلفه اخلاقی اشاره کرده است. در این حکایت، چنین آمده است که گروهی از مسافران در سرزمین هند گرسنه بودند و خواستار شکار حیوانی برای رفع گرسنگی بودند. مرد خردمندی از سر دلسوزی آنها را برحذر می‌دارد که در این سرزمین، گله‌های فیل بسیاری وجود دارد، ولی مبادا هوس شکار آنها را بکنند و دچار انتقام فیلان شوند؛ چرا که فیلان بوی فرزندان خویش را خوب تشخیص می‌دهند:

پیل بچگ-----ان اند--د اندر راهتان	صید ایشان هست بس دلخواهتان
بس ضعیف‌اند و لطیف و بس سَمین	لیک مادر هست طالب در کمین

(مولانا، دفتر سوم، ۷۶ - ۷۷)

هر دهان را پیل بـــــویی می‌کند	گـــــردِ معدۀ هـــــر بشر برمی‌تند
تا کجـــــا یابد کبابِ پورِ خویش	تا نماند انتقام و زورِ خویش

(همان، ۱۰۵ - ۱۰۶)

بعد از رفتن مرد خردمند، گرسنگی بر مسافران غالب می‌شود و بچه‌فیل فربه‌ای را در کنار جاده شکار می‌کنند و همه مسافران به جز یک نفر، از گوشت فیل کباب‌شده می‌خورند. مسافران به خواب عمیقی فرو می‌روند و مادر فیل سر می‌رسد و با بوییدن دهان مسافران قاتلان فرزندش را شناسایی و به هلاکت می‌رساند. در این حکایت، اشاره لطیفی به طمع و حرص شده که از مفاهیم بنیادین و همچنین مؤلفه‌های مهم اخلاقی در جهاد تبیین است. در ادامه حکایت، با رمزپردازی‌های مختص مولوی روبه‌رو هستیم و می‌بینیم تنها شخصی که از معرکه مرگ نجات پیدا کرده، کسی است که بر نفس خود پیروز شده است. همچنین در اثنای این داستان، گریز زیبایی به تهمت و غیبت زده شده که از شاخصه‌های اصلی اخلاق‌مداری است. در اشعار مولوی، همواره ظاهر و باطنی وجود دارد. ظاهر ابیات و قصه‌ای که می‌بینیم، باعث می‌شود ذهن خلاق و جویای اسرار الهی مولوی به سمت معارف سوق پیدا می‌کند و به نکته‌های اخلاقی و عرفانی می‌پردازد:

گوشه‌های بندگان حق خوری غیبه‌ت ایشان گدایی، کیفر بَری
هان که بویای دهانتان، خالق است کی برد جان، غیر آن کو صادق است؟
(همان، ۱۰۷-۱۰۸).

در این ابیات می‌بینیم مولوی گریزی به موضوع غیبت و تهمت دارد که طبق احادیث، غیبت و بدگویی پشت سر دیگران، به مثابه خوردن گوشت برادر مرده خود است. وی در بیت ۱۰۸ می‌گوید که آفریدگار هستی، دهان شما را می‌بوید و فقط راستگویان می‌توانند جان سالم بدر برند. مولوی به زیبایی تمام، صفات سیئه (مثل کبر و زشتی و طمع و حرص و...) را به بوی بد پیاز و سیر تشبیه کرده و معتقد است این بوی بد به مشام بوگیران فلک (که همان فرشتگان هستند) خواهد رسید:

تو همی خُسیّ و بوی آن حرام می‌زند بر آسمان سبز فام
همره آنفاس زشتت می‌شود تا به بوگیران گردون می‌رود
بوی کبر و بوی حرص و بوی آز در سخن گفتن بیاید چون پیاز
(همان، ۱۶۴-۱۶۶)

در همه‌جای کتب ارزشمند معنوی، به موارد اخلاقی اشاره شده است. صبر یکی از مؤلفه‌های مهم اخلاقی است که می‌تواند بستری برای وصول برای سایر صفات نیک اخلاقی باشد. در ابیات زیر، دیده می‌شود که مولوی به نقد قشریان ظاهر بین پرداخته و باطن افراد را برای دریافت رحمت الهی مهم می‌داند و بر این باور استوار است که برای دریافت الطاف الهی باید از خودگذشتگی داشت و صبر کرد؛ چرا که صبر، کلید پیروزی است:

جان بده از بهر این جام ای پسر بی جهاد و صبر کی باشد ظفر
صبر کردن بهر این نَبود حَرَج صبر کن کَالصَّبْرِ مَفْتَاحُ الْفَرَجِ
(همان، ۲۱۲-۲۱۱)

نقش مربی و راهنما

دشمن می‌تواند از راه‌های مختلفی در اقشار مختلف جامعه و به‌خصوص در اذهان جوانان رسوخ پیدا کند و حتی باعث تحریم یک ملت شود. «دشمن با تحریف واقعیت‌ها توانسته تحریم‌ها را به جایی برساند که بار منفی آن بر جامعه بسیار مشهود باشد. از این‌رو، جهاد تبیین در واقع، نوعی مقابله با تحریف‌ها و شکست تحریم‌ها محسوب می‌شود» (صلح میرزایی،

۱۴۰۱: ۲۷۰). با این اوصاف «جهاد تبیین نیازمند کنشگری اجتماعی همه اقشار جامعه بوده است» (نجم‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۷۰) براساس همین دیدگاه، ضرورت مدرسه و به تبع آن معلم نقشی ویژه و پیشتاز در جهاد تبیین بر عهده دارد و خط مقدم جهاد تبیین به حساب می‌آید. البته بدیهی است که ساختار نظام تعلیم و تربیت شامل دو بخش رسمی و غیررسمی است و بخش رسمی شامل مدرسه و دانشگاه است (ناظمی، ۱۳۸۸: ۲۴۶). از این‌رو، سروش در کتاب «مسئولیت حکومت اسلامی در آموزش و پرورش رسمی» می‌گوید: منظور از مدرسه، همان نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی است (سروش، ۱۳۸۶: ۵۷).

مسئله است که معلم در این نظام، یکی از ارکان اصلی به حساب می‌آید. دوران مدرسه، یکی از کلیدی‌ترین و حساس‌ترین دوران زندگی هر فردی است؛ چرا که بیش‌ترین تأثیر را در شکل‌گیری شخصیت افراد دارد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد اهمیت این دوره به‌عنوان اولین مرحله آموزش همگانی می‌فرمایند: «حساس‌ترین و مهم‌ترین بخش اداره کشور، آموزش و پرورش است»^۱.

ایشان معتقدند که جهاد تبیین بایستی از بنیادی‌ترین سطح تعلیم و تربیت یعنی مدرسه شروع شود. مدرسه اولین نهاد متولی تعلیم و تربیت رسمی است و نقش عمده‌ای در فرآیند انسان‌سازی برای جامعه دارد. از همین‌روست که نظام آموزش و پرورش، به دلیل جایگاه محوری، در خط مقدم جبهه فرهنگی قرار می‌گیرد (محمدی پویا، ۱۳۹۷: ۲۰۹).

معلم، به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین ارکان نظام آموزشی در تربیت و هدایت نسل جوان، نقش ویژه و ممتازی دارد و همواره یک معلم توانسته است به‌عنوان یک الگو، نقش مهمی در زندگی افراد داشته باشد. با توجه به پذیرش این الگو در جامعه، یکی از وظایف اصلی و مهم معلمان را می‌توان ترویج فرهنگ جهاد تبیین در جامعه دانست. برای مقابله با دشمن، تربیت نیروهایی لازم است که بتوانند در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بدرخشند و این مهم، فقط با دستان توانمند یک راهنما که ما از آن به‌عنوان معلم یاد می‌کنیم، مقدور است. ناگفته پیداست برای قدم نهادن در عرصه جهاد تبیین باید به سلاح قدرتمند علم و دانش مجهز بود. معلم و راهنما را می‌توان جزء لاینفک برای کسب دانش به‌حساب آورد. «جهاد تبیین با توجه

^۱ <https://farsi.khamenei.ir>

به اثراتی که در حوزه‌های مختلف جامعه می‌تواند داشته باشد، هم مسأله‌ای اجتماعی است و هم علمی و سیاسی و اقتصادی و اخلاقی و عبادی. پس تربیتی که با رویکرد جهاد تبیین و پرورش افراد تبیین‌گر باشد، به دلیل اثرات مختلف اجتماعی و اخلاقی و علمی و... ارزشمندی مضاعفی خواهد داشت» (همان، ۱۴۰۱: ۹). مولوی به‌عنوان یک شاعر و البته عارف، داشتن یک معلم خوب و وارسته را یک امتیاز می‌داند و برای یک معلم وظایف مهمی قائل است و معلم در نزد او جایگاه رفیع و ارزشمندی دارد. مولوی معتقد است عقل دوگونه است: یکی مکسبی (که در مکتب آموخته می‌شود) و دیگری عقلی که به واسطهٔ بخشش یزدان بر قلب انسان‌ها خواهد بود و البته ارزش این دانش، صد برابر دانش مکتبی خواهد بود. مولوی بر این باور است که معلم خوب دارای ویژگی‌های خاصی است:

از کتاب و اوستاد و فکر و ذکر از معانی وز علوم خوب و بکر
عقل تو افزون شود بر دیگران لیک تو باشی ز حفظ آن گران

با توجه به جایگاه مولوی و عارف بودن وی، پیر و مراد برای او در حکم معلم است. وی معتقد است معلم به مثابه آبیاری است که ابتدا جویبار تن و همچنین روان انسان را از کثافات و موانع و پلیدی‌ها و همچنین از کثافات ظاهری و باطنی پاک می‌کند، آنگاه آب را بر آن جاری می‌سازد. مولوی می‌گوید: پیر و مرادی که مثل معلم است، برای درمان زخم روحی تو باید مرهمی از صفا و معرفت پیدا کند تا دردت را درمان کند:

هـــــت پیر راه دانِ پُر فـــــطن جوی‌های نَفَس و تن را جوی‌کن
جوی، خود را کی تواند پاک کرد؟ نافـــــع از علم خدا شد علم مرد
ور نهد مرهم بر آن ریش تو، پیر آن ز مان ساکن شود درد و نفیر

(مولوی، دفتر اول، ۳۲۲۰-۳۲۲۵)

از نظر مولوی ادب آن‌گونه اقتضا می‌کند که در هر حال و شرایطی باید حرمت معلم حفظ شود و مرتبی زیر سایه استاد قرار بگیرد و تعلیم ببیند:

پس برو خاموش باش از انقیاد زیر ظلّ امر شیخ و اوستاد

(مولوی، دفتر چهارم، ۳۳۴۸)

مولوی رازداری را از شاخصه‌های یک معلم می‌داند و می‌گوید: اگر استاد رازدان و آگاه را تبعیت نکنی و حرمتش را حفظ نکنی، حتی اگر استعداد و قابلیت لازم را دارا باشی، قطعاً آن استعداد و قابلیت زائل خواهد شد و از آن بهره‌ای را نخواهی برد:

هم ز استعداد وامانی اگر سرکشی ز استاد راز و باخبر
(همان، ۳۳۵۰)

شاگرد هم برای دریافت علم و دانش از معلم، باید صبر پیشه کند تا نتیجه دلخواه را بتواند به دست بیاورد، وگرنه نتیجه عکس خواهد گرفت. هر شخصی برای رسیدن به رشد و تعالی نیازمند معلم و راهنماست، وگرنه به مطلوب خود نخواهد رسید:

صبر کن در موزه‌دوزی تو هنـوز ور بوی بـوی صبر گردی پاره‌دوز
کهنه‌دوزان گر بدیشان صبر و حلم جمله نو دوزان شدندی هم به علم
(همان، ۳۳۵۱-۳۳۵۲)

امیدآفرینی (یأس و ناامیدی)

از منظر امام خامنه‌ای، یأس و یأس، ارینی، از حربه‌های دشمنان و ظالمان بوده است: «یأس‌آفرینی، سیاه‌نمایی، نفرت‌پراکنی، تشویش و اعتمادزدایی از طریق سوار شدن بر جهل جامعه و تحریف حقیقت‌ها، همواره ابزاری در جهت استیلای ظالمان و مستکبران و انزوای صالحان و مظلومان در طول تاریخ بوده است که سبب شد در اغلب زمان‌ها و دوران‌ها اهل باطل بر دنیا تسلط داشته باشند. تأثیرگذاری بر افکار عمومی، دچار ابهام نگهداشتن افکار و رها کردن اذهان مردم یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی می‌باشد.^۱ اگر ما بتوانیم به درستی واقعیت‌ها را تبیین کنیم و دستاوردهای انقلاب و خدمات شایان توجه آن را ذکر کنیم و مردم را در جریان امور قرار دهیم، به‌طور قطع، عرصه را بر دشمن تنگ خواهیم کرد و باعث می‌شویم تیر دشمن به خطا برود و دشمن نتواند فضای یاس و ناامیدی را بر جامعه حاکم کند:

«بدون تردید امروز دشمنان از این که بتواند به اسلام و نظام اسلامی ضربه بزند ناامید می‌باشند، اما از نفوذ کردن ناامید نیستند؛ و سعی دارند با نفوذ دل‌ها را تسخیر و ذهن‌ها را تغییر بدهند.^۱

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان در سال ۱۴۰۰ ابراز داشتند که دشمنان برای مایوس کردن مردم ما، می‌خواهند اعتماد به نفس مردم و مسولین را از بین ببرند و در نتیجه اتحاد ملی را تضعیف کنند. از بین بردن روح اعتماد به نفس مردم و در نتیجه تزریق ناامیدی در بین ملت ایران یکی از وظایف اصلی دشمنان ایران اسلامی است. مقام رهبری با اندرزهای پدران و خطاب به متخصصان و کارشناسان می‌گوید:

«دستگاه‌های مختلف تبلیغاتی دشمنان با همه وجود دارند کار می‌کنند که کشور را بی‌آینده نشان بدهند، جوان‌ها را مایوس کنند؛ این دیگر در فضای مجازی، در تلویزیون‌ها، در اظهارات سیاسی مشهود است. این کار شما درست نقطه مقابل این حرکت دشمن است؛ یعنی روح امید را، روح اعتماد به نفس را در ملت تزریق می‌کند؛ مردم، جوان‌ها، نخبگان، می‌فهمند که چه میدان‌های اساسی و مهمی را می‌توانند کشف کنند، تصرف کنند و بپیمایند.

داشتن امید به آینده، یکی از ابزار قدرتمند پیشرفت در هر ملتی به حساب می‌آید و دشمن بر روی همین مسأله متمرکز شده است. دشمن در این فکر است ناامیدی را بین جوانان ترویج دهد و برای این امر از هیچ کاری فروگذار نمی‌کند و از همه راه‌ها وارد می‌شود تا بتواند ناامیدی را القا کند. رهبر انقلاب بر این باور هستند که در کنار هم ضعف‌ها و کاستی‌ها، امیدآفرینی باید حرف اول را بزند و در مقابل چشم همگان و به‌خصوص در نسل جوان قرار بگیرد. رهبر انقلاب اسلامی در بیانی شیوا و رسا در مورد امید و امتناع از یأس‌آفرینی چنین می‌فرمایند: اگر ایران دوست هستید، یکی از علائم و شاخصه‌های ایران دوستی شما این است که امیدآفرینی کنید؛ اگر یأس‌آفرینی کردید، نمی‌توانید بگویید ایران دوست [هستید]. شاخص عمده ایران‌ستیزی، یأس‌آفرینی است، امیدسوزی است، القای ناتوانی است، القای بن‌بست است؛ این‌ها شاخصه‌ای ایران‌ستیزی است. آنهایی که ایران را دوست دارند، نقطه مقابل این، حرکت می‌کنند.

در بیانیه گام دوم، رهبر انقلاب در مورد پنج سرفصل مهم صحبت می‌کنند و در ادامه، ملت بزرگ ایران را دعوت به امید و مأیوس‌سازی دشمنان می‌کند و جوانان را هدف اصلی سخنان خود قرار می‌دهند:

توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است... سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مأیوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

مولانا (صاحب اثر سترگ و ارزشمند مثنوی معنوی) تأکید ویژه‌ای بر روی این موضوع دارد. در بیش‌تر داستان‌های مثنوی روح امید موج می‌زند. در نظر مولوی به‌عنوان یک عارف سرشناس امیدواری و یأس و ناامیدی از موضوعات کلیدی به حساب می‌آید که با سرشت انسانی پیوند خورده است. «امید و یأس را می‌توان از صفات ممیزه انسان دانست. از دیگر سو، امید و یأس عمده‌ترین محورهای مدلل‌ها را در نمادهای اسطوره‌ای، هنری و متن‌های عرفانی اختصاص داده است؛ چرا که این دو صفت متمایز عمیقاً با عواطف عالی بشر هم‌سرشت است و هرگاه به اوج خود نزدیک می‌شود، انسان‌ها را به شدت بر می‌انگیزاند» (قبادی و کلاهچیان، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

امید در اشعار مولوی به گونه‌ای متفاوت‌تر از امید در بین مردمان عادی است، امیدواری در اشعار او، جنبه‌های عرفانی نیز دارد. در اشعار او که موضوع توبه، سماع، دعا، خلقت، آمدن بهار و یادآوری رستاخیز و حتی توکل به حضرت احدیت دیده می‌شود، روح امیدواری به ذات اقدس خداوند موج می‌خورد و این بیانگر امید به درگاه لطف بی‌کران خداوند متعال است و اگر غیر از این باشد در حال فریب خود هستیم.

در ابیات زیر، در دفتر دوم مثنوی معنوی چنین آمده که عالم و هر آنچه که در اوست، با وجود خدا زیباست و همهٔ انسان‌ها با این امید که به درگاه خدا دارند، به زندگی ادامه می‌دهند و اگر کسی به غیر از این باور داشته باشد، در زمرهٔ چهارپایان است و بندگان واقعی او همه امیدها را خلاصه شده در او می‌دانند و در بیت آخر با زیبایی تمام اعلام می‌کند که همهٔ امیدها واقعی به خداوند ختم می‌شود و تمام ترس‌ها و ناامیدی‌ها عاریتی هستند:

من نخواهم در دو عالم بنگریست	تا نبینم این دو مجلس آن کیست؟
بی تماشای صفت‌های خدا	گر خورم نان، در گلو ماند مرا
چون گوارد لقمه، بی دیدار او	بی تماشای گل و گلزار او؟
جز بر امید خدا زین آب خور	کی خورد یک لحظه آلا گاو و خر؟
آن که کالانعام بُد، بَلْ هُمْ أَضَلَّ	گر چه پُر مکرست آن گنده بَغْل

(مولوی، دفتر دوم، ۳۰۷۸-۳۰۸۷)

در باور مولوی، لطف خداوند بی‌کران است و از همهٔ بدی مشکلات، باید به خدا پناه برد و لطف و فضل خداوند تجلی‌گاه امید خواهد بود:

در پناه لطف حق باید گریخت	کو هزاران لطف، بر ارواح ریخت
تا پناهی یابی، آنکه چون پناه	آب و آتش، مر تو را گردد سپاه

(مولوی، دفتر اول، ۱۸۴۰-۱۸۳۹)

سخن مولوی همیشه طراوت دارد و همین از نشانه‌های وجود و حضور امید در ایشان است. «نو شدن و نو گفتن، خصوصیت مولوی بود؛ چرا که او به دریا متصل بود و کسی که به دریا وصل است و به خزانه‌های پایان‌ناپذیر دسترس می‌یابد، همیشه سخنان تازه دارد» (سروش، ۱۳۷۹: ۶).

از دیدگاه عروضی نیز شادی و نشاط و امید در وزن ابیاتی که مولوی سروده، بی‌نظیر است و این نشاط و امید در کتاب غزلیات شمس با وضوح بیش‌تری دیده می‌شود. ناگفته پیداست که داشتن ذهن مأیوس نمی‌تواند خاستگاه این همه شور و نشاط و امید باشد. طربناکی، نشاط، امید به زندگی، باور به دنیای پس از مرگ همگی دلیلی است برای داشتن امید و مأیوس نشدن. در غزلیات شمس، انتخاب ردیف‌های مناسب با امید و آرزو و دنیای درون مولوی، هم‌پوشانی دارد.

غزل معروف «تا باد چنین بادا» سرشار از روح امید و نشاط در وجود مولوی است که به بهترین نحو ممکن به خواننده منتقل می‌شود:

معشوقه به سامان شد تا باد چنین بادا کفرش همه ایمان شد تا باد چنین بادا
ملکی که پریشان شد از شومی شیطان شد باز آن سلیمان شد تا باد چنین بادا
یاری که دلم خستی در بر رخ ما بستی غمخواره یاران شد تا باد چنین بادا
(مولوی، کلیات شمس، غزل ۸۲).

یا در غزلی با ردیف «منشین از پا» و همچنین غزل با ردیف «آرزوست» و غزل بسیاز زیبای زیر که همگی به نوعی با روح شاد باشی و امیدواری در ارتباط مستقیم قرار دارد.

زهی عشق زهی عشق که ما راست خدایا چه نغزست و چه خوب و چه زیباست خدایا
(همان، غزل ۹۴)

تزکیه

تزکیه یکی از راه‌های مصونیت از فساد اخلاقی است و باعث می‌شود قلب انسان آماده پذیرش حقایق باشد:

«در مورد گسترش مفاهیم اخلاقی و پرورش اخلاقی هم همین بس که در چند جای قرآن در صدر اهداف بعثت، اخلاق و تزکیه را ذکر کرده: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ»^۱ اول، تزکیه است؛ همچنین در آیات دیگر: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ»^۲ چند جای دیگر هم در قرآن هست که هدف بعثت را «تزکیه» معین کرده است؛ در رأس اهداف [بعثت]، تزکیه است.^۱

همچنین مقام معظم رهبری بیان داشتند که: از ضعف‌های ما این است که ما به موازات علم، به موازات پیشرفت‌های علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه اخلاقی و نفسی پیدا نکرده‌ایم؛ این عقب‌ماندگی است.^۲ در جهاد تبیین، تهذیب نفس اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چرا که ابتدا باید جهاد با نفس کرد تا در جهاد تبیین بتوان پیروز شد. در عرفان نیز یکی از شرط‌های اصلی معرفت، داشتن تزکیه و پاکی است. برای داشتن دل پاک و تزکیه نفس، باید دست از همه

^۱. بیانات رهبر به مناسبت عید مبعث ۱۴۰۰

^۲. خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

آلودگی‌ها شسته شود تا معرفت در دل پدید بیاید. مولوی در نخستین ابیانش در مثنوی می‌گوید، دل انسان برای این‌که تجلی‌گاه عشق و معرفت الهی باشد، باید پاک باشد تا بتواند حقایق الهی را دریافت کند:

آینه‌ات دانی چرا غمّاز نیست؟ زانکه زنگار از رخس ممتاز نیست
(مولوی، دفتر ۱: ۳۴)

به اعتقاد مولوی، جسم انسان برای درک اسرار و حقایق الهی باید شایستگی لازم را داشته باشد و با تزکیه نفس و ریاضت و سختی به تن این مهم، شدنی است:

غفلت از تن بود چون تن روح شد بیند او اسرار را بی‌هیچ بُد
(مولوی، دفتر ۳، ۳۵۶۶)

یا در ابیات زیر، مولوی می‌گوید: باید مثل آهن در کوره ریاضت خود بمانی تا زنگارهای نفست از بین برود و به مقام آینه‌گی برسی و بتوانی پذیرای اسرار و حقایق الهی گردی:

همچو آهن ز آهنی، بی رنگ شو در ریاضت، آینه بی زنگ شو
خویش را صافی کن از اوصاف خود تا ببینی ذات پاک صاف خود
(مولوی، دفتر اول، ۳۴۵۹-۳۴۶۰)

بنابراین تزکیه از نظر او نه تنها بر تعلیم مقدم است، بلکه شرط به شمار می‌آید. به بیان دیگر، معرفتی که بدون تزکیه به دام فرد می‌افتد، معرفت حقیقی و نجات‌بخش نیست و وبالی بر گردن او خواهد شد؛ معرفت کاذبی که نمی‌تواند فرد را متحوّل سازد و مسیر سعادت او را هموار کند.^۱ در بین داستان‌هایی مثنوی که درونمایه و مضمون تزکیه و صیقل درون را داراست، داستان مشهوری در دفتر اول مثنوی است و آن داستان جدال بین نقاشان و صورتگران رومی و چینی است. شرح داستان بدین گونه است که مردم چین و روم بر سر مهارت و چیرگی خود در هنر نقاشی، با یکدیگر بحث‌ها و گفتگوها می‌کردند و پادشاه تصمیم می‌گیرد تا هنر آنان را در عمل به بوته آزمایش درآورد. شاه خانه‌ای به چینیان و نیز به رومیان داد تا مهارت و استادی خود را نشان دهند. شاه همه امکانات لازم را برای نقاشان چینی فراهم آورد.

۱. ندایی، هاشم، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۲۷۶.

ولی رومی‌ها هیچ‌چیز از شاه نگرفتند، بلکه درهای خانه را بستند و فقط به صیقل زدن در و دیوار خانه پرداختند. چینی‌ها همه‌گونه رنگ را با استادی تمام به کار گرفتند و با استفاده از ابزار و رنگ‌هایی که در اختیار داشتند ترکیبات بدیع و دلنشینی ساختند و دیوار خانه را پر از نقش و نگار کردند بعد از فراغت کار، از شادی دهل‌ها زدند و کرناها نواختند. شاه به تماشای کار نقاشان چینی رفت و از دیدن آن نقش‌های دلفریب بسیار شاد شد. سپس به سوی کارگاه رومیان رفت. رومیان پرده‌ها را پس زدند و ناگهان پادشاه، صحنه حیرت‌انگیزی را دید. همه نقش‌ها و تصاویر رنگین و زیبای چینیان بر دیوار اتاق‌های رومیان به گونه‌ای شکوهمند و افسانه‌ای منعکس شده بود. شاه از دیدن این صحنه شوری خاص پیدا کرد و متوجه شد که معرفت رومیان سبب شده که کاری خلاق‌تر و بدیع‌تر به وجود آید:

چینیان صد رنگ، از شه خواستند	شه‌خزینه باز کرد تا آن ستند
هر صباحی از خزینه، رنگها	چینیان را راتبیه بود از عطا
رومیان گفتند: نی لون و نه رنگ	درخور آید کار را، جز دفع زنگ
در فرو بستند و صیقل می‌زدند	همچو گردون ساده و صافی شدند
از دوصد رنگی به بی‌رنگی رهی است	رنگ‌چون ابر است و بی‌رنگی مَهی است

(مولوی، دفتر اول، ۳۴۷۲-۳۴۸۴).

نتیجه‌گیری

جهاد به معنای بکار بردن تمام توان برای انجام کاری است و انواع مختلفی مثل جهاد سیاسی، جهاد اقتصادی و جهاد نفس است. در بین انواع جهاد، جهاد تبیین از جمله عرصه‌های مهم جهاد است که به دنبال سخنرانی امام خامنه‌ای در آذرماه سال ۱۴۰۰ مطرح شد. جهاد تبیین به معنی روشنگری است که از روی کار علمی و تحقیقی، به منظور مقابله با دشمن و وسوسه‌های او دانسته شده است. موضوع جهاد تبیین، یکی از عرصه‌های مهم مبارزه دائمی جریان حق و باطل است و هر شخصی باید به نوبه خود در این جهاد سهیم باشد. منشأ و ریشه جهاد تبیین به معارف بلند اسلامی می‌رسد و در گفتار و رفتار و اعمال اولیای الهی قابل مشاهده است. در آثار مولوی (عارف سرشناس قرن هفتم) اشعاری دیده می‌شود که با مفاهیم ناب اسلامی و جهاد تبیین هم‌سو است. نگارنده در این پژوهش به موضوعات مشترکی پرداخته است که در بین اشعار مولوی و موضوعات مطرح‌شده در جهاد تبیین وجود دارد. در ادامه، مولفه‌ها و

دلالت‌هایی مثل ارزش و جایگاه معلم، اخلاقیات و موارد مطروحه در آن مثل وفاداری، توکل، صبر، تزکیه نفس، امید و یأس انتخاب شده و ضمن توضیح آن، شاهد مثال‌هایی در اشعار مولوی انتخاب و ذکر شده است. در نهایت، این نتیجه حاصل شد که بین موارد و موضوعات مختلف جهاد تبیین و افکار مولوی هم‌سویی خاصی وجود دارد و دلیل آن هم به دلیل داشتن ریشه‌های مشترک معارف الهی است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه. (۱۴۰۱). *نسخه صبحی صالح*. قم: اسوه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. محقق و مصحح: جمال الدین میردامادی، چ ۳، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۴. تقی‌زاده اکبری، علی. (۱۳۸۷). *جهاد در آیین قرآن*. تهران: زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع).
۵. خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی. (۱۴۰۰). *مجموعه بیانات*.
۶. _____ (۱۳۹۷). *بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران*.
۷. _____ (۱۴۰۱). *بیانات در دیدار مردم اصفهان ۱۴۰۱/۰۸/۲۸*.
۸. _____ (۱۳۸۱). *بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش*.
۹. _____ (۱۴۰۰). «جهاد تبیین»، گردآوری: سعید صلح میرزایی، چ ۶، تهران: انقلاب اسلامی.
۱۰. _____ (۱۴۰۰). *دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری*.
۱۱. _____ (۱۴۰۲). *بیانات در دیدار دانشمندان، متخصصان، کارشناسان و مسئولان صنعت هسته‌ای کشور*.
۱۲. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. رضازاده، صبا. (۱۴۰۳). *فلسفه جهاد تبیین در مدارس؛ عرصه‌ها و مصادیق*. رویکرد فلسفه در مدارس و سازمان‌ها. ۳(۳): ۴۹-۵۹.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴). *المفردات فی غریب القرآن*. چ ۲، قم: دفتر نشر کتاب.

۱۵. سجادیه، نرگس. (۱۳۸۸). *بازخوانی برخی از آرای تربیتی مولانا و پیش‌فرض‌های فلسفی آن*، تهران:

۱۶. سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۹). *قمار عاشقانه*. چ ۲، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

۱۷. سروش، محمد. (۱۳۸۶). *مسئولیت حکومت اسلامی در آموزش و پرورش رسمی*. نشریه تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۵، ۵۵-۸۰.

۱۸. صلح میرزایی، سعید (۱۴۰۱). «جهاد تبیین». فصلنامه علمی تخصصی ویژه مبلغان، ش ۹، صص ۲۶۷-۲۷۶.

۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان*. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۰. علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). «جایگاه و نگرش دشمنان در نگرش سیاسی امام علی(ع)». حوزه و دانشگاه، ش ۲۶.

۲۱. قبادی، حسینعلی و کلاهیچیان، فاطمه. (۱۳۸۶). *تحلیل امید ویاس در اندیشه و داستان پردازی مولوی*. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۱۴۹-۱۷۴.

۲۲. محمدی پویا، فرامرز و ضرغامی، سعید. (۱۳۹۶). *تبیین بایسته‌های معرفت‌شناختی اخلاق باور و نقش تفکر انتقادی در آن به منظور ارائه الگوی نظری آموزش اخلاق باور*. رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی.

۲۳. محمدی پویا، فرامرز. (۱۴۰۱). *ارائه الگوی تربیتی با رویکرد جهاد تبیین از دیدگاه نهج‌البلاغه*. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال دهم، شماره ۴۰، ص ۹.

۲۴. مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۵۵). *کلیات شمس*. تصحیح فروزانفر، تهران: امیرکبیر.

۲۵. _____ (۱۳۹۸). *مثنوی معنوی*. شرح کریم زمانی، دفتر ۱، ۲، ۳ و ۴، تهران: اطلاعات.

۲۶. نادری، مهدی. (۱۴۰۱). *مدل نظری حیات طیبه به مثابه آرمان انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (براساس روش تئوری داده بنیاد)*. پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۹۵، سال ۶، شماره ۳.

۲۷. ناظمی، مهدی. (۱۳۸۸). *سیاست تحول در نظام آموزش و پرورش کشور*. راهبرد توسعه (راهبرد یاس)، ۱۸، صص ۲۴۴-۲۶۷.

۲۸. نجم آبادی، زهرالسادات. (۱۴۰۱). *الزامات و موانع اخلاقی جهاد تبیین در اندیشه مقام*

معظم رهبری با تکیه بر نقش روحانیت. اخلاق، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۰۳-۱۲۸.

<https://farsi.khamenei.ir>

<https://ganjoor.net>

<https://ganjoor.net>

<https://farsi.khamenei.ir>

<https://farsi.khamenei.ir>

<https://farsi.khamenei.ir>

<https://farsi.khamenei.ir>

<https://hawzah.net>

<https://khamenei.ir>

An Educational Interpretation of *Jihad-e-Tabyin* (Explanatory Struggle) in Rumi's *Masnavi Ma'navi*

Abstract

Jihad-e-Tabyin (Explanatory Struggle) is considered a key pillar in the process of raising awareness and establishing meaningful communication, closely intertwined with religious concepts. From the perspective of Ayatollah Khamenei, this concept encompasses core components such as faith and sincerity, hopefulness, resistance against enemies, audience awareness, *hayat tayyebah* (pure life), and the value of knowledge. These elements, as foundational Islamic principles, play a crucial role in explaining and disseminating religious thought. Mawlānā Jalāl al-Dīn Rūmī, in his *Masnavi Ma'navi*, vividly portrays profound spiritual concepts through poetic beauty and allegorical storytelling. Beyond his literary brilliance, Rumi significantly contributes to the articulation of pure Islamic values that align with the mission of *Jihad-e-Tabyin*. By emphasizing theological and ethical discussions, he offers a deep analysis of Islamic teachings and has had a lasting impact on the intellectual and cultural fabric of society. This study aims to investigate the foundations, elements, and educational implications of *Jihad-e-Tabyin* as reflected in Rumi's *Masnavi*. Using an inferential-analytical method grounded in credible texts and sources, the research seeks to answer two main questions: a) How is *Jihad-e-Tabyin* conceptualized by Imam Khamenei? b) What are the educational implications of *Jihad-e-Tabyin* in Rumi's *Masnavi*? Findings indicate that both *Jihad-e-Tabyin* and the spiritual themes in Rumi's work emphasize the importance of awareness and the pursuit of truth. Together, they provide rich opportunities for promoting human development and expressing core Islamic values. Ultimately, these two domains complement one another in striving to establish a society grounded in truth and spirituality.

Keywords: *Jihad-e-Tabyin*, Imam Khamenei, Rumi, Education, Spiritual Implications.